

راه‌اندازی شبکه هم‌نت: شبکه‌ای برای تبیین باهمایی واژگانی

سیدحمزه موسوی*

استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران

پذیرش: ۹۵/۳/۱۹

دریافت: ۹۴/۱۲/۳

چکیده

در این مقاله برای نخستین بار شبکه‌ای با جست‌وجوی تحت وب برای تبیین «باهمایی واژگانی» بر پایه معنانشناسی قالبی پیشنهاد داده و آن را «هم‌نت» می‌نامیم و با قالب‌نت که شبکه‌ای برای تبیین قالبی واژگان است، پیوند می‌دهیم. این شبکه نه تنها به درک ما از باهمایی واژگانی یاری می‌رساند، بلکه می‌تواند مقدمه‌ای برای پژوهش‌های رایانشی در مورد ماهیت ترکیبات واژگانی باشد. برای توصیف چگونگی کارکرد این شبکه، به عنوان نمونه باهمایی با واژه «دست» در نظر گرفته شد و داده‌ها از منابع مختلف از جمله دو پیکره بی‌جن‌خان و پایگاه دادگان زبان فارسی استخراج شد. روشی که برای بررسی باهمایی در این پژوهش به کار رفته، عبارت است از مقایسه قالب‌های اجزای ترکیب واژگانی با قالبی که کل ترکیب در آن تعریف می‌شود. نتیجه این‌که از طریق مقایسه این قالب‌ها و شیوه ارتباط آن‌ها با یکدیگر، نه تنها نوع ترکیب (از جمله ساده، استعاری و مجازی) دست‌یافتنی است، بلکه می‌توان به اطلاعاتی در مورد انگیزه‌های فرهنگی و تاریخی که در پس ترکیب‌های هم‌آیند قرار گرفته‌اند، دست یافت.

واژگان کلیدی: معنانشناسی قالبی، قالب‌نت، باهمایی واژگانی، استعاره، مجاز.

۱. مقدمه

احتمالاً بارها برایتان اتفاق افتاده که سخن ناتمامی را کامل [____] بدون شک جای خالی در جمله قبل را با استفاده از صورت صرف‌شده فعل سبک «کنید»، پر کرده‌اید. این پیش‌بینی از طریق فرآیند باهمایی واژگانی^۱ و اتصال فعل‌یار «کامل» و همکرد «کردن» امکان‌پذیر است.



کروز (40: Cruse, 1986) باهمایی را دسته‌ای از واژه‌ها دانسته که معمولاً با هم به کار می‌روند و اجزای آن از لحاظ معنایی شفاف بوده و هرکدام سازه‌ای معنایی را تشکیل می‌دهند. وی همچنین معتقد است که باهم‌آیی به‌سادگی از اصطلاحات^۲ بازشناخته می‌شود؛ چون باهمایی شفافیت معنایی دارد. به‌علاوه، باهمایی واژگانی دارای یکپارچگی معنایی^۳ و انسجام است و گه‌گاه به بافتی خاص محدود می‌شود. از سوی دیگر، کارتر (Carter, 1998: 34) باهمایی را رفتار واژه‌ها در کنار واژه‌های دیگر دانسته و می‌نویسد که برای نمونه، به همراه واژه tea در زبان انگلیسی strong به کار می‌رود، ولی powerful به کار نمی‌رود. لاینز (Lyons, 1995: 62) در مورد باهمایی واژگانی می‌نویسد که باهمایی مجموعه واژه‌هایی هستند که در بافتی خاص به همراه واژه‌های دیگر ظاهر می‌شوند. هرچند مثال بالا در قالب غلظت صحیح است، اما در قالب نوع- ماده dark tea برای بیان نوعی چای به کار می‌رود که در معرض اشعه قرار گرفته است. از این‌رو باهمایی واژگانی در هر قالب را باید به‌صورت مجزا بررسی کرد. همچنین از پیکره می‌توان برای تعیین میزان تمایل دو واژه به تشکیل ترکیب‌های هم‌آیند استفاده کرد.

تعریفی که در این پژوهش بر آن استناد شده، تعریفی بر پایه رویکرد شناختی است که برگرفته از معناشناسی قالبی و نمونه‌اعلی است.

تعریف: «باهم‌آیی واژگانی» یعنی این‌که اگر دو واژه دارای قالب‌هایی متناسب باشند، در کنار هم قرار می‌گیرند. فرآیندهایی ممکن است این قالب‌ها را به هم نزدیک کند و یا آن‌ها را از هم دور کند (نک. قالب‌نت زبان انگلیسی). نمونه‌اعلی نیز تأثیرات مهمی بر مفهوم باهم‌آیی دارد؛ چنان‌چه در آن بهترین نمونه را به‌عنوان باهم‌آیی در نظر می‌گیریم و بقیه (مثلاً اصطلاحات و ترکیبات واژگانی آزاد) را در دایره‌هایی از مبدأ قرار می‌دهیم.^۴

برای واژه‌های زبان براساس زبان‌شناسی شناختی قالب‌نت^۵ و برای استعاره‌ها شبکه‌اینترنی استعاره‌نت^۶ راه‌اندازی شده است که در بخش پیشینه پژوهش به آن‌ها می‌پردازیم. از آنجا که تاکنون برای باهمایی واژگانی براساس معناشناسی قالبی در هیچ زبانی چنین شبکه‌ای طراحی نشده، در پژوهش حاضر تلاش می‌کنیم شبکه‌ای برای تبیین ماهیت و انگیزه باهمایی واژگانی بر پایه نظریه معناشناسی قالبی راه‌اندازی کنیم که آن را هم‌نت می‌نامیم و برای معادل انگلیسی آن ColloNet را پیشنهاد می‌کنیم. به این ترتیب، پرسش‌هایی که در این

پژوهش مطرح می‌شوند، از این قرار هستند:

۱. شبکه پیشنهادی همنت باید دارای چه طرحی باشد و چه اطلاعاتی را در اختیار ما قرار دهد؟

۲. در شبکه همنت، باهمایی با واژه «دست» بر پایه معناشناسی قالبی چگونه تبیین خواهد شد؟

همان‌طور که از پرسش‌های پژوهش نمایان است، هدف این پژوهش پیشنهاد و توصیف شبکه‌ای برای تبیین باهمایی واژگانی است و بر پایه معناشناسی قالبی فیلمور استوار شده است. به این ترتیب، همنت با نگاهی شناختی به کشف انگیزه باهمایی واژگانی خواهد پرداخت.

۲. پیشینه پژوهش

هرچند برای زبان انگلیسی چند فرهنگ باهمایی واژگانی با جست‌وجوی تحت وب وجود دارد، اما این نخستین‌بار است که برای تبیین باهمایی واژگانی براساس معناشناسی قالبی شبکه‌ای با ابزار جست‌وجو تحت وب پیشنهاد می‌شود. تمایز این شبکه از فرهنگ‌های موجود در این است که همنت به انگیزه باهمایی واژگانی می‌پردازد و به قالب‌نت متصل می‌باشد. بنابراین با وجود این‌که در مورد همنت پیشینه‌ای وجود ندارد؛ اما شبکه‌های مهم دیگری با ویژگی‌های خاص خود وجود دارند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد. قالب‌نت پروژه‌ای است که مؤسسه بین‌المللی علوم رایانه‌ای و گروه زبان‌شناسی دانشگاه برکلی مسئولیت آن را به عهده گرفتند و هدف خود را توصیف معنای قالبی هزاران واژه انگلیسی در نظر گرفتند (Baker, et al., 1998). این شبکه عبارت است از پروژه جمع‌آوری پیکره‌ای واژگان که عناصر واژگانی و قالب‌های معنایی را به هم پیوند می‌زند. این مهم از طریق نشانه‌گذاری و اعمال عملیات گوناگون بر این نشانه‌گذاری‌ها به دست می‌آید (Fillmore, et al., 2004). هرچند موفقیت در این پروژه امری نسبی است، درکل از دستاوردهای این گروه نمی‌توان چشم‌پوشی نمود. این گروه به مطالعه «قالب‌هایی که زیرساخت معانی هستند، پرداخته و مشخصات نحوی واژه‌ها را از طریق مشخصه‌های معنایی تعیین کرده است» (Fillmore, et al., 2003: 235). محصول کار فیلمور و همکارانش در قالب‌نت زبان انگلیسی



به آدرس زیر قابل دسترسی است:

<https://framenet.icsi.berkeley.edu/fndrupal/home>

برای زبان‌های اسپانیایی، آلمانی، ژاپنی و چینی نیز سایت‌های مشابهی راه‌اندازی شده است که در مراحل ابتدایی است. هرچند برای زبان فارسی هنوز چنین شبکه‌ای طراحی نشده است، اما مقاله‌های نایبلویی و همکاران (۱۳۹۴) و موسوی و همکاران (۱۳۹۴) بر وجود چنین شبکه‌ای برای زبان فارسی تأکید کرده‌اند. همچنین، نگارنده در رساله دکتري خود ویژگی‌های چنین شبکه‌ای را مورد بررسی قرار داده است.

از آنجا که استعاره، نوعی قالب است و براساس معناشناسی قالبی تبیین شده است، دانشگاه برکلی شبکه اینترنتی استعاره‌نت را برای اشعار زبان انگلیسی، فارسی و روسی به آدرس زیر راه‌اندازی کرده است:

<https://metanet.icsi.berkeley.edu/metanet>

همچنین شبکه‌های دیگری همچون واژه‌نت^۷ (Miller, 1995) و فعل‌نت^۸ (Levin, 1993) وجود دارند که از نظر روش کار با هم تفاوت دارند. فلبوم (Fellbaum, 1998: 4) واژه‌نت را پایگاهی واژگانی دانسته که عملکردی شبیه به فرهنگ‌های الکترونیکی و گنج‌واژه‌ها^۹ دارد. خوشبختانه، شمس‌فرد و همکاران (2010) واژه‌نت مخصوص به زبان فارسی به نام فارس‌نت را تهیه کرده و مشخصات چنین طرحی را ارائه داده‌اند. این پروژه در پایگاه دادگان زبان فارسی به آدرس زیر در دسترس عموم قرار گرفته است:

<http://dadegan.ir/catalog/farsnet>

برخی از پژوهشگران درباره فرآیند باهمایی در زبان فارسی تحقیقاتی انجام داده‌اند. ملانظر (۱۳۶۹) باهم‌آیی را در حوزه ترجمه مورد مطالعه قرار داده است. شهریار (۱۳۷۸) نیز محدودیت‌های باهم‌آیی واژگانی در ترجمه را بررسی کرده و ترکیب‌های هم‌آیند در زبان مبدأ و مقصد را با هم مقایسه نموده است. همچنین رسام (۱۳۷۵) دیدگاهی فرهنگ‌نگارانه به فرآیند باهم‌آیی داشته است و بیشتر افعال را مورد بررسی قرار داده و سه دسته فعل را از یکدیگر مجزا کرده است: فعل ساده، مرکب و همکرب.

افراشی (۱۳۷۹) از لحاظ ادبی و سبک‌شناسی به بحث باهم‌آیی واژگانی می‌نگرد. وی

برای تحلیل داده‌های خود از یافته‌های یاکوبسن پیروی می‌کند و دو دسته درون‌زبانی و برون‌زبانی را مطرح می‌کند. او معتقد است که باهم‌آیی درون‌زبانی بر محور هم‌نشینی روی قطب مجاز قرار می‌گیرد؛ درحالی‌که باهم‌آیی برون‌زبانی بر محور جانشینی روی قطب استعاری جای می‌گیرد. برای مثال، «یک توپ پارچه» و «یک فروند هواپیما» از نوع درون‌زبانی و «نخ/سوزن» و «میخ/چکش» برون‌زبانی است. پناهی (۱۳۷۹) نگاهی ساختی-معنایی به باهم‌آیی واژگانی دارد و به لحاظ در زمانی به این پدیده نگریسته، معتقد است این فرآیند در گذر زمان دستخوش تغییر شده است. وی همچنین معتقد است که برخی از ساختارها اگر مورد پذیرش جامعه قرار نگیرند، بعد از مدتی از زبان حذف می‌شوند. باید دقت داشت که هم‌نت‌پیشنهادی به پیکره متصل خواهد بود و همه نمونه‌ها برگرفته از مثال‌های واقعی پیکره خواهند بود. ارائه آماری نیز می‌تواند به نشان‌دادن میزان تمایل واژه‌ها به ساخت ترکیب‌های هم‌آیند کمک کند.

میرعمادی و کربلایی صادق (۱۳۸۸) به بررسی باهم‌آیی واژگانی در آثار منظوم و منثور مولانا براساس رویکردهای نقش‌گرایی و از منظر آماری پرداخته و مدرس خیابانی (۱۳۸۴) باهم‌آیی را از لحاظ آماری مورد بررسی قرار داده و عنوان کرده که سه معیار آماری، معنایی و نحوی-معنایی در شناخت باهم‌آیی از اهمیت خاصی برخوردارند.

۳. مبانی نظری و روش پژوهش

هم‌نت، پروژهای است که بر پایه معنائشناسی قالبی انجام می‌گیرد و رابطه نزدیکی با قالب‌نت دارد. در این بخش، نخست معنائشناسی قالبی مطرح شده و برای نمونه در بخش پیوست‌ها دو قالب عضو-بدن-پیدا و جهت ارائه شده‌اند. اگر قالب‌نت زبان فارسی راه‌اندازی شود، این دو قالب می‌توانند بخشی از این شبکه باشند. در بخش تبیین باهم‌آیی با واژه «دست»، لازم است ترکیب هم‌آیند و اجزای آن در هم‌نت با قالب‌های ذکرشده در قالب‌نت اتصال^۱ داده شوند؛ به طوری‌که با کلیک روی ترکیب هم‌آیند ذکرشده، شخص به قالب مورد نظر متصل شود. در بخش دیگر، روش پژوهش و شیوه جمع‌آوری داده‌ها مطرح می‌شود.



۳-۱. معناشناسی قالبی و نقش آن در توسعه همت

معناشناسی قالبی را فیلمور در دهه هفتاد مطرح کرد و مفهوم قالب را از آثار مینسکی (1975) اقتباس کرد. فیلمور (1977 a) معتقد است که معنا به قالب‌ها وابسته است. او (1977 b) قالب را حالت انتزاعی (آرمانی) ادراک، حافظه، تجربه، عمل و پدیده می‌داند. این یعنی همان‌طور که فیلمور (1976) ابراز کرده است: انسان‌ها در ذهن خود مجموعه‌ای از طرح‌واره‌ها برای طبقه‌بندی و تعبیر تجارب روزمره در اختیار دارند. واژه، صورت واژه و قواعد دستوری در ذهن با قالب‌ها در ارتباط هستند؛ به طوری که به محض شنیدن یک صورت زبانی خاص، قالبی خاص در ذهن فعال می‌شود.

فیلمور (Fillmore, 1977 a: 72- 73) از مثال مشهور «رویداد بازرگانی»^{۱۱} برای بیان مفهوم قالب استفاده کرده است. اگر شرکت‌کنندگان در این رویداد خریدار و فروشنده باشند، آن‌گاه خریدار پول می‌دهد و کالا را می‌برد و فروشنده کالا را داده و پول را می‌برد. برای تکمیل توصیف این رویداد باید اجزای دیگری همچون کالا و پول را به این فهرست افزود. به این ترتیب، افعال buy و sell هر دو در «رویداد بازرگانی» قرار گرفته‌اند، با این تفاوت که در فعل buy خریدار و در فعل sell فروشنده برجسته می‌شود.

مورد دیگر به تفاوت بین land و ground بازمی‌گردد. نکته این‌که land سطح خشک زمین است که از sea بازشناخته می‌شود؛ حال آن‌که ground سطح خشک زمین است که از air تمایز داده می‌شود. بنابراین، هرچند در زبان انگلیسی این دو واژه به یک واقعیت اشاره می‌کنند، اما تفاوت آن‌ها به شیوه قرار گرفتن در قالب بزرگ‌تر بازمی‌گردد. به این ترتیب، پرنده‌ای که تمام عمرش را روی land گذرانده است، به پرنده‌ای بازمی‌گردد که زندگی خود را در دریا و رودخانه نمی‌گذراند؛ حال آن‌که، پرنده‌ای که روی ground زندگی می‌کند به پرنده‌ای اشاره دارد که نمی‌تواند پرواز کند (Fillmore, 1982: 121).

این رویکرد شناختی، فیلمور و همکارانش را بر آن داشت که نظرات خود را به صورت عملی در قالب‌نت زبان انگلیسی (Vide. Ruppenhofer, et al., 2010) به نمایش درآورند. در قالب‌نت مجموعه‌ای از قالب‌ها ذکر می‌شود که حاوی تعریف قالب مورد نظر، عناصر قالبی، روابط قالب-به-قالب، واحدهای واژگانی و نمونه‌های نشانه‌گذاری شده است که روش کارکرد آن را روپنهوفر و همکاران (2010) تشریح کرده‌اند.

فیلمور (1982: 111) معتقد است که معناشناسی قالبی مفاهیمی همچون قالب، طرح‌واره، طرح‌واره پویا^{۱۲}، الگوی جهانی^{۱۳}، متن‌نما^{۱۴}، مدل شناختی، گشتالت تجربی، صحنه، صحنه‌سازی^{۱۵} و نظام اندیشگانی^{۱۶} را دربرمی‌گیرد. به این معنا که برای تبیین قالب‌های معنایی باید بتوان هر آنچه را در محدوده دانش پیش‌زمینه ما قرار می‌گیرد، توصیف کرد. همچنین، تنن (1993a & b) به نقش مفاهیم فرهنگی و اجتماعی در تبیین قالب‌های معنایی پرداخته است و قالب را «ساختار انتظارات» (Tannen, 1993 b: 16) تعریف کرده و در جایی دیگر تنن و والات (1993: 60) مفاهیم تعاملی و کاربردشناختی را نیز در نظر گرفته و قالب را «فعالیتی که گوینده انجام می‌دهد و روشی که با آن منظورش را بیان می‌کند» تعریف کرده‌اند. به این ترتیب، مفاهیم فرهنگی، تاریخی و سیاسی همگی به صورت هشیارانه، نیمه‌هشیارانه یا ناهشیارانه بخشی از دانش پیش‌زمینه گویشوران زبان می‌باشد.

در تبیین نقش معناشناسی قالبی در توسعه همت، باید اذعان کرد که روش دستیابی به انگیزه باهمایی واژگانی از طریق مقایسه قالبی اجزای ترکیب هم‌آیند با قالبی که ترکیب هم‌آیند در آن شکل می‌گیرد، امکان‌پذیر است. انگیزه‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی همگی الگو و قالب هستند و گه‌گاه قالب‌های استعاری و مجازی نقش پیونددهنده قالب‌های دیگر را بازی می‌کنند. آنچه همت انجام خواهد داد، بررسی تناسب قالبی بین اجزای واژگانی ترکیب‌های هم‌آیند (عضو پایه و عضو باهم‌آ) می‌باشد. الگوی بررسی قالبی باهمایی واژگانی و شیوه بررسی نقش قالب‌های زبانی، فرهنگی و اجتماعی در شبکه هم‌نت در پیوست ۳ الف و ب آمده است.

۳-۲. روش پژوهش

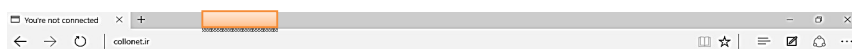
این پژوهش رویکردی تحلیلی-توصیفی را در پیش گرفته است^{۱۷} و توصیف پروژه همت حاصل تحلیل باهمایی واژگانی بر پایه رویکرد معناشناسی قالبی است. برای توصیف باهمایی واژگانی در همت لازم است ابتدا قالبی که واژه پایه (دست) در آن تعریف شده است، مشخص گردد^{۱۸}. سپس، واژه‌هایی که با آن باهمایی دارند، یعنی واژه‌هایی که می‌توانند نقش باهم‌آ را پر کنند از طریق پیکره‌های زبانی و فراوانی باهمایی واژه‌ها با یکدیگر مشخص گردند. قالبی که این واژه‌ها در آن تعریف می‌شوند، تعیین شده و درنهایت، نمونه‌های



نشانه‌گذاری هر کدام از واحدهای واژگانی شرکت‌کننده در باهمایی مشخص شوند و انگیزه باهمایی از طریق مقایسه قالب‌های عضو پایه، باهم‌آ و ترکیب هم‌آیند تعیین گردند. داده‌های این پژوهش برگرفته از پیکره‌ای با بیش از ۲۰ میلیون جمله نمونه است. این حجم از داده به شیوه‌های گوناگون و از منابع مختلفی جمع‌آوری شده است. داده‌ها از پنج منبع عمده استخراج شده‌اند. اول، دسته‌ای از داده‌های این پژوهش از دو پیکره عظیم بی‌جن‌خان و پایگاه دادگان زبان فارسی به آدرس pldb.iics.ac.ir استخراج شده‌اند. دوم، متون نوشتاری همچون تعدادی از رمان‌های صادق هدایت، بزرگ علوی، صمد بهرنگی، نسیم خاکسار، فرخنده آقایی، مهشید امیرشاهی منبع مهم دیگری برای جمع‌آوری داده‌ها بوده‌اند. سوم، داده‌های شنیداری از برخی سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی به دست آمده‌اند. چهارم، داده‌هایی هستند که از فرهنگ‌های زبان فارسی همچون لغتنامه دهخدا، فرهنگ طیفی، فرهنگ سخن، فرهنگ معین و فرهنگ عمید استخراج شده‌اند. پنجم، داده‌های اینترنتی هستند که به وسیله موتورهای جست‌وجوی پارسی‌جو (parsijoo.ir)، گرگر (gorgor.ir)، گوگل (google.com) و فارس‌نت از سایت‌ها و وبلاگ‌های اینترنتی استخراج شده‌اند.^{۱۹}

۴. طرح هم‌نت

این بخش از مقاله به توصیف طرح پیشنهادی هم‌نت اختصاص دارد. هم‌نت، شبکه‌ای با جست‌وجوی تحت وب خواهد بود که هدف از ارائه آن بررسی انگیزه باهمایی واژگانی است. این شبکه قادر است نشان دهد که از باهمایی، برای مثال، «دست» با واژه‌هایی از قالب جهت چه ترکیب‌هایی به دست می‌آیند. همچنین، این شبکه با استفاده از تناسب قالبی می‌تواند نشان دهد که چرا «دست راست/چپ» در قالب جهت ساختارهایی پذیرفتنی هستند؛ ولی «*دست شرق/غرب» در همین قالب به راحتی قابل قبول نیستند. به علاوه، این شبکه می‌تواند با بررسی تناسب قالبی و قالب‌های واسطه (استعاری، مجازی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی) انگیزه باهمایی واژگانی را به دست دهد.



واحد واژگانی: دست [قالب: عضو-بدن-پیدا]

انگیزه	قالب باهم آیی	مثال	عنصر باهم آ	قالب
ساده	عضو-بدن-پیدا	با دست چپ می‌نویسد.	چپ	جهت
استعاری فرهنگی	سیاست	همه وطن‌پرست‌های دست‌چپ، گوششان به رادیوی لندن است.	چپ	جهت
نمادین	جهت	بپیچید به دست راست و سپس به دست چپ.	راست	جهت
استعاری فرهنگی	سیاست	حزب دست راست، سیاست محافظه‌کارانه را دنبال می‌کند	راست	جهت
ساده	ویژگی-بدن	رضا راست‌دست است و همیشه موقع امتحان اذیت می‌شود.	راست	جهت
اصطلاح	آگاهی-یافتن	وقتی دست چپ و راستم را شناختم، شروع به کار کردم.	راست	جهت
استعاره مجاز	رابطه	تو را دست راست خودم می‌کنم.	راست	جهت



شکل ۱. نمایی از جدول هم‌نیت برای تبیین باهمایی واژه «دست» با واژه‌هایی از قالب جهت^{۲۰}

Figure 1. A View of the ColloNet Table for Explaining the Collocation of the Word 'dast' with Words from the Direction Frame

همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، جدولی برای واژه «دست» در قالب عضو-بدن-پیدا آمده است^{۲۱}. پیکره نشان می‌دهد که واژه «دست» که عضو پایه است با واحدهای واژگانی «راست» و «چپ» در قالب جهت باهمایی دارد. قالب مخصوص عضو پایه در بالای جدول و قالب مخصوص عضو باهم آ در ستون اول جدول آمده است؛ اگر روی این قالب کلیک شود، وارد صفحه‌ای خواهیم شد که به توصیف قالب جهت در قالب‌نت می‌پردازد. در ستون دوم جدول واژه باهم آ آمده است که اگر روی آن کلیک شود، نمونه‌های نشانه‌گذاری‌شده از واژه باهم آ (مثلاً واژه «دست») نمایان خواهند شد. در ستون سوم ترکیب هم‌آیند در مثال و بافتی خاص به کار رفته است. در ستون چهارم، قالبی که ترکیب هم‌آیند در آن قرار می‌گیرد، آمده است که با کلیک روی آن وارد صفحه‌ای خواهیم شد که قالب ذکرشده را توصیف می‌کند. در ستون آخر، انگیزه باهمایی آمده که اگر روی آن کلیک شود، به توصیف قالب‌هایی (طرح‌واره‌هایی) که انگیزه باهمایی بوده‌اند، می‌پردازد. در ادامه نمونه‌هایی چند از باهم آیی با واژه «دست» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف. نمونه «دست راست/چپ»



ترکیب «دست راست / چپ» از عضو پایه «دست» در قالب عضو- بدن- پیدا و عضو باهم‌آی «راست / چپ» در قالب جهت ساخته شده است. ترکیب هم‌آیند «دست راست / چپ» در هر کدام از مثال‌های ۱ در قالب‌های متفاوت آمده‌اند.

(۱) الف. با دست چپ می‌نویسد.

ب. بپیچید دست راست و سپس دست چپ.

پ. همهٔ وطن‌پرست‌های دست‌چپ، گوششان به رادیوی لندن است.

ت. حزب دست راست، سیاست محافظه‌کارانه را دنبال می‌کند.

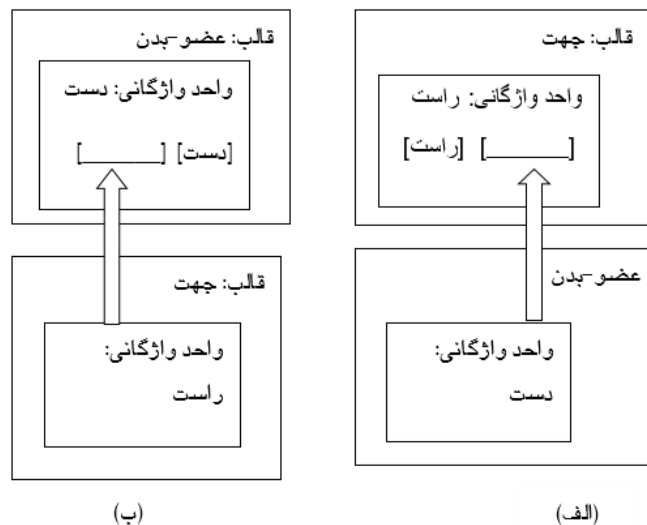
ث. تو را دست راست خودم می‌کنم.

ج. رضا چپ‌دست است و همیشه موقع امتحان اذیت می‌شود.

چ. دست بالا یکی دو صفحه بیشتر نمی‌شد.

ح. روستای بالادست چند فرسخ با شهر فاصله دارد.

به این ترتیب، «دست چپ» در مثال ۱ الف در قالب عضو- بدن قرار می‌گیرد و باهمایی از نوع ساده است؛ حال آن‌که در مثال ۱ ب در قالب جهت قرار گرفته است. این بدان معناست که در مورد ۱ الف عضو پایه و در ۱ ب عضو باهم‌آ بر ترکیب هم‌آیند چیره شده است. اگر بر انگیزهٔ باهمایی کلیک شود، شکل ۲ به دست می‌آید.



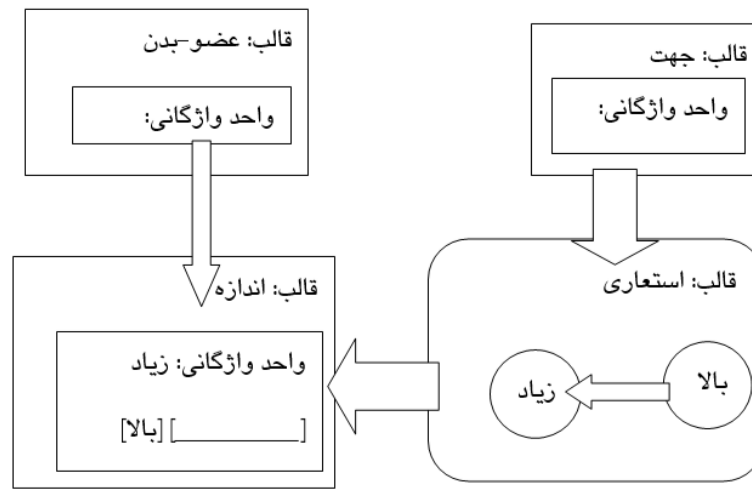
شکل ۲. ترکیب‌های ساده برای «دست راست/ چپ»

Figure 2. Simple Compositions of “daste rast/ ĉap”

در مثال ۱ پ و ت ترکیب «دست راست/ چپ» در قالب سیاست به کار رفته است و انگیزه‌ای که این دو را به هم متصل می‌کند، حاوی مطالبی در مورد جناح‌های سیاسی و اطلاعاتی در مورد تاریخچه این ترکیب است. در قسمت تاریخچه ذکر خواهد شد که منشأ این واژه از زبان فرانسه است و این‌که پس از انقلاب ۱۷۸۹م فرانسه، طرفداران پادشاه در سمت راست مجلس و طرفداران انقلاب در سمت چپ مجلس می‌نشستند. هرچند امروزه این ترتیب نشستن وجود ندارد، اما همین انگیزه‌ای برای باهمایی این دو واژه شده است؛ زیرا در غیر این صورت قرارگرفتن ترکیب‌هایی از دو قالب جهت و عضو-بدن-پیدا در قالب سیاست دور از ذهن می‌باشد. در مثال ۱ ث ترکیب «دست راست» در قالب رابطه قرار گرفته و انگیزه‌ای که این دو را در کنار هم قرار می‌دهد، قالب استعاره است به این معنا که شخصی با دست راست شخص دیگری مقایسه شده و کسی را توصیف می‌کند که برای فردی مهم کار می‌کند. در مثال ۱ ج ترکیب «راست/ چپ‌دست» در قالب ویژگی-بدن قرار گرفته و انگیزه‌ای که این دو را به هم ربط می‌دهد، حاوی اطلاعاتی در مورد فرآیندهای مغزی و قدرت فیزیکی



یکی از دست‌ها نسبت به دیگری است. ترکیب «دست بالا» در مثال ۱ چ در قالب اندازه قرار گرفته و انگیزه‌ای که این دو واژه را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد، قالب استعاری «بالا زیاد» است» می‌باشد که در شکل ۳ نشان داده شده است.



شکل ۳. قالب استعاری «بالا زیاد است» و ساخت ترکیب «دست بالا»

Figure 3. The Metaphoric Frame 'UP IS MUCH' and the Composing Structure "daste bala"

ترکیب «بالادست» در مثال ۱ ح در قالب جهت و مکان قرار گرفته که انگیزه آن بازمی‌گردد به مکان و جهتی که روستا نسبت به دیگر مکان‌ها قرار گرفته است. شبکه هم‌نت فقط به ترکیب‌های ممکن نمی‌پردازد، بلکه گاهی نشان می‌دهد که چرا برخی از ترکیب‌های محتمل در زبان به کار نمی‌روند. برای نمونه، چرا در قالب جهت ترکیب «دست راست / چپ» قابل قبول است ولی «*دست شرق / غرب» درست نیست؟ در پاسخ باید گفت که راست و چپ بیانگر جهات نسبی هستند؛ در مقابل بهترین راه برای بیان شرق و غرب حرکت ظاهری خورشید است و نه موقعیت بدن و دست‌ها. همچنین در قالب اندازه «دست بالا» به کار می‌رود؛ درحالی‌که ترکیب «*دست پایین» به کار نمی‌رود. در مقابل «*دست زیاد» نامحتمل و «دست کم» محتمل است. در اینجا لازم است استدلال کنیم که «دست بالا» علاوه بر

قرار گرفتن در قالب اندازه در قالب قدرت نیز قرار گرفته است. در مقایسه، «دست پایین» در قالب قدرت و «دست کم» در قالب اندازه به کار می‌رود. دلیل این‌که «دست پایین» به کار نمی‌رود، به پایین بودن دست در حالت طبیعی بازمی‌گردد. همچنین، «دست زیاد» به کار نمی‌رود؛ زیرا دست، ظرفیت خاص و محدودی دارد و قابلیت گرفتن مقادیر بیشتر از ظرفیت خود را ندارد.

ب) موارد «دست طبیعت» و «دست روزگار»

در شبکه هم‌نت «دست» در قالب عضو- بدن- پیدای؛ «طبیعت» در قالب طبیعت و «روزگار» در قالب زمان قرار گرفته است.

(۲) الف. این اثر نقاشی دست طبیعت است.

ب. دست روزگار را بر آثار باستانی پاریزی، امکان تطاول نیست.

ترکیب هم‌آیند «دست طبیعت» در قالب حالت- رویداد و «دست روزگار» در قالب اتفافی قرار گرفته است. هر دو ترکیب از طریق قالب استعاری «طبیعت/ روزگار انسان است» ویژگی دست داشتن را دریافت کرده‌اند.

پ) موارد «دست شیطان» و «دست استعمار»

در این مورد هم «دست» در قالب عضو- بدن- پیدای؛ «شیطان» در قالب فرهنگی و مذهبی؛ و «استعمار» در قالب سیاست قرار گرفته است.

(۳) الف. فرشته‌ها در ماه رجب انسان‌ها را از دست شیطان آزاد می‌کنند.

ب. اگر دست استعمار امیرکبیر را از بین نبرده بود، کشور به پیشرفت می‌رسید.

ترکیب هم‌آیند «دست شیطان» در مثال (۳ الف) در قالب مذهب قرار گرفته است؛ ولی در بعضی بافت‌ها ممکن است در قالب سیاست هم قرار گیرد و انگیزه‌ای که این دو واژه را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد، قالب‌های استعاری و فرهنگی است که با کلیک روی آن مواردی در مورد داستان آفرینش خواهیم خواند. همچنین، ممکن است در مورد برخی از حوادث یا رویدادهای تاریخی مطالبی بخوانیم. ترکیب هم‌آیند «دست استعمار» در قالب سیاست قرار می‌گیرد و انگیزه‌ای که آن‌ها را به هم متصل می‌کند، قالب استعاری «استعمار انسان است» و قالب فرهنگی می‌باشد. با کلیک روی انگیزه باهمایی به اطلاعاتی در مورد استعمار و رویدادهای استعماری و سیاسی دسترسی خواهیم داشت. برای نمونه، در بحث سیاسی و



فرهنگی می‌توان به رویکرد کشورهای استعمارگر همچون آمریکا، انگلیس، فرانسه، پرتغال و غیره اشاره کرد و این‌که این کشورها علاوه بر غارت دارایی‌های مستعمره‌های خود تلاش می‌کردند فرهنگ خود را در کشورهای تحت سلطه گسترش دهند و آن را جایگزین فرهنگ بومی مردم کنند. در ترکیب «دست شیطان» همین رویه عامل اتصال قالب مذهبی به قالب سیاست نیز می‌تواند باشد.

ت) موارد «دست‌دادن» و «دست پیدا کردن»

باید دقت داشت که موارد «الف، ب، پ و ت» همگی نمونه‌هایی از باهمایی اسمی هستند، اما مورد «ت» نمونه‌ای از باهمایی فعلی است که در آن «دست» نقش فعل‌یار برای همکردهای «دادن» و «پیدا کردن» بازی می‌کند.

۴) الف. هنگام دست دادن و خداحافظی کردن رسید.

ب. فرصتی دست داد که با شما بتوانم رودررو صحبت کنم.

پ. این فرصت را خیلی راحت از دست داد.

ت. کشور ما در زمینه‌های پزشکی به پیشرفت‌های مهمی دست پیدا کرده است.

در مورد «دست دادن» عضو پایه «دست» در قالب عضو- بدن و عضو باهم‌آی «دادن» در قالب مبادله قرار می‌گیرد. این ترکیب هم‌آیند در مثال ۴ الف در قالب احوال‌پرسی و فرهنگی قرار گرفته و انگیزه‌ای که این دو را در کنار هم قرار می‌دهد، به دراز کردن دست و تکان دادن آن به هنگام احوال‌پرسی بازمی‌گردد. این ترکیب در ۴ ب در قالب زمان قرار گرفته و انگیزه‌ای که این دو را در کنار هم نگاه می‌دارد به قالب استعاری «فرصت‌ها انسان هستند» و قالب احوال‌پرسی بازمی‌گردد که در آن گویی فرصت‌ها با شخص احوال‌پرسی کرده و خود را به ما عرضه می‌کنند. ترکیب «از دست دادن» در ۴ پ در قالب زمان قرار گرفته و انگیزه‌ای که این اجزاء را در کنار یکدیگر نگاه می‌دارد، به قالب استعاری «فرصت‌ها انسان هستند» و قالب مبادله بازمی‌گردد که در آن شخص گویی فرصت را به دیگری داده است تا از دست وی برود.

در ترکیب «دست پیدا کردن»، عضو پایه در قالب عضو- بدن- پیدا و همکرد «پیدا کردن» در قالب جست‌وجو- کردن قرار گرفته است. در مثال ۴ ت ترکیب هم‌آیند «دست پیدا کردن» در قالب آگاهی- یافتن قرار گرفته است. انگیزه‌ای که این ترکیب را در کنار هم قرار می‌دهد به

جست‌وجو برای دانش پزشکی و یافتن مواردی علمی بازمی‌گردد. اگر چیزی یافته شود گویی در دست قرار گرفته است. بنابراین «دست پیدا کردن» یعنی تلاش برای یافتن چیزی و در نهایت، یافتن و به‌دست‌آوردن آن چیز است.

از بین داده‌های پیکره، برای بررسی باهمایی با واژه «دست» در ۴٪ از موارد عضو پایه بر عضو باهم‌آ چیره شده است (برای مثال «دست راست» در قالب عضو- بدن- پیدا). در ۱۸٪ از موارد عضو باهم‌آ بر عضو پایه چیره گشته است (برای نمونه «دست راست» در قالب جهت) و در ۷۸٪ از موارد ترکیب هم‌آیند در قالب جدیدی تعریف شده است (همانند «دست راست» در قالب سیاست).

۵. بحث و نتیجه‌گیری

درحالی‌که فیلمور و همکارانش در دانشگاه برکلی شبکه‌ای برای تبیین واژه‌های زبان انگلیسی راه‌اندازی کردند و گروهی از محققان همان دانشگاه، «استعاره‌نت» را برای بررسی استعاره‌های زبان انگلیسی، فارسی و روسی راه‌اندازی کردند، جای خالی شبکه‌ای برای تبیین ترکیب‌های هم‌آیند و فرآیند باهمایی واژگانی براساس معناشناسی قالبی احساس می‌شود. این مهم می‌تواند در طرح پیشنهادی این مقاله یعنی «هم‌نت» محقق شود.

در این شبکه اینترنتی اطلاعات مفیدی در مورد واژه‌های باهم‌آ و پایه داده می‌شود. اطلاعات واژگانی از طریق اتصال هم‌نت به شبکه قالب‌نت و دسترسی به جملات نشانه‌گذاری‌شده پیکره ممکن می‌شود. به این ترتیب، شبکه قالب‌نت و پیکره می‌توانند تغذیه‌کننده هم‌نت باشند؛ به‌طوری‌که، از اطلاعات واژگانی آن‌ها می‌توان برای کشف انگیزه باهمایی بهره برد. به این معنا که کافی است با مقایسه سه قالب عضو پایه، باهم‌آ و ترکیب هم‌آیند و درنظرگرفتن شواهد تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به انگیزه باهمایی دست یافت.

از طریق این شبکه می‌توان به اطلاعاتی در مورد رابطه قالب- به- قالب ترکیب هم‌آیند دست یافت؛ از جمله این‌که آیا نوع ترکیب ساده، استعاری یا فرهنگی است. اگر ترکیب استعاری باشد، قالب استعاری در نمودارهایی به‌صورت نمونه نشان داده می‌شود. در صورت لزوم پیش‌زمینه‌های فرهنگی و تاریخی در اختیار ما قرار می‌گیرد که از آن به انگیزه



باهمایی واژگانی یاد شده است.

همچنین، باید اذعان کرد که شبکه هم‌نت با استفاده از داده‌های موجود (قالب‌نت، پیکره‌ها، اطلاعات فرهنگی، تاریخی و غیره) و مفهوم چیرگی قالبی به کشف انگیزه باهمایی واژگانی دست زد. همچنین این شبکه قادر است دلیل عدم باهمایی دو واژه (مثلاً «*دست شرق/ غرب» را با بهره‌گیری از همین اطلاعات به دست دهد. هم‌نت درحقیقت شبکه‌ای برای اتصال اطلاعات شناختی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی برای توجیه باهمایی واژگانی یا عدم باهمایی واژگانی است.

درنهایت، لازم است به برخی از مزایا و نوآوری‌ها در هم‌نت اشاره شود. هم‌نت شبکه‌ای خواهد بود که باهمایی واژه‌های فارسی را به‌صورت موردی نشان خواهد داد. از مزایای این شبکه نسبت به شبکه‌هایی که برای زبان انگلیسی وجود دارد، پرداختن به انگیزه باهمایی واژگانی است که هم‌زمان به انگیزه وجود و عدم وجود باهمایی می‌پردازد. این شبکه به تکامل قالب‌نت بسیار کمک می‌رساند و گام مهمی در کاربردی‌سازی معناشناسی شناختی برمی‌دارد. همچنین، این شبکه به پژوهش‌های رایانشی در مورد ترکیب‌های زبانی یاری خواهد رسانید.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. lexical collocation
 2. idioms
 3. semantic integrity
۴. از سه آزمون ترجمه و جایگزینی واژه‌های مترادف و آزمون شفافیت معنایی برای یافتن باهمایی نمونه‌ای اعلی استفاده می‌شود. در مورد اول، ناخیموفسکی و لید (۱۹۷۹) معتقدند که ترکیبات باهم‌آ را به‌راحتی نمی‌توان به زبانی دیگر ترجمه کرد. برای مثال، در جمله «در انجام این کار معضلاتی جدی دیده می‌شود» را نمی‌توان به‌راحتی به زبان انگلیسی ترجمه کرد؛ زیرا *see the problems** ترکیبی پذیرفتنی نیست. آزمون دوم، آزمون جایگزینی واژه‌های مترادف است که با اقتباس از سمدجا (Smadja, 1993) برای تناسب با قالب‌نت به شکلی در نظر گرفته می‌شود که اگر دو واژه باهم‌آ (همانند «راست» در قالب جهت) و پایه (همانند «دست» در قالب عضو-بدن) با هم ترکیب شوند، آنگاه قرار دادن حداقل یک واژه از قالب پایه یا باهم‌آ باید باعث غیر دستوری بودن یا غیر عادی بودن ترکیب شود. در مورد «بپیچ دست راست»، گفتنی است از جایگزین کردن واژه

«راست» با واژه «شرق» یا «شمال» ترکیبات «*بیچ دست شرق» و «*بیچ دست شمال» به دست می‌آیند که چندان پذیرفتنی نیستند. آزمون سوم، آزمون شفافیت معنایی است که در آن از ترکیب حاصل بتوان به معنای آن دست یافت (سینکلر، ۱۹۹۱). ترکیب‌های «عضلات را دیدن» و «بیچ دست راست» از شفافیت معنایی برخوردار هستند. به این ترتیب معیار این رساله برای تشخیص باهم‌آیی واژگانی نمونه‌ی اعلی عبارت است از این‌که ترکیبی باهم‌آیی، نمونه‌ی اعلی محسوب می‌شود که از بین آزمون‌های ۱ و ۲ حداقل یکی را و آزمون ۳ را حتماً دارا باشد.

5. framenet
6. metanet
7. wordnet
8. verbnet
9. thesaurus
10. link
11. commercial event
12. script
13. global pattern
14. pseudo-text
15. scenario
16. ideational scaffolding

۱۷. این پژوهش بیشتر توصیف نتایج رساله‌ی دکتری نگارنده تحت عنوان «جستاری بر باهمایی واژگانی در زبان فارسی بر پایه‌ی نظریه‌ی قالب‌های معنایی» است.

۱۸. توصیف قالب‌های واژگانی هریک از واژه‌های شرکت‌کننده در باهم‌آیی واژگانی در شبکه‌ی قالب‌بنت انجام می‌گیرد و جدول باهمایی در همنت به این قالب‌ها لینک می‌شود. گفتنی است که شبکه‌ی قالب‌بنت زبان فارسی هنوز راه‌اندازی نشده است و کارهای مقدماتی برای راه‌اندازی آن در حال انجام است.

۱۹. ویژگی مهم همه‌ی داده‌های به‌دست‌آمده این است که تا حد امکان سعی شده است داده‌ها از منابع دست اول به دست آید و هیچ‌کدام متن ترجمه‌شده نباشد.

۲۰. این صفحه هنوز در دست ساخت است و در آینده قابل دسترسی خواهد بود.

۲۱. تعیین این امر که هر واحد واژگانی که در کدام قالب قرار گرفته است، از طریق قالب‌بنت قابل دسترسی است.

۷. منابع

- افراشی، آریتا (۱۳۷۹). «نگاهی به مسئله‌ی باهم‌آیی واژگانی». *زبان و ادب*. س ۳. ش ۷ و ۸.

صص ۸-۷۳.

- پناهی، ثریا (۱۳۷۹). *فرآیند باهم‌آیی در زبان فارسی و نقش ترکیبات باهم‌آیند در آموزش فارسی به غیر فارسی‌زبانان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رسام، میرمحمدحسین (۱۳۷۵). *طرح فرهنگ بافتی افعال فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران.
- شهریاری، زهرا (۱۳۷۸). *محدودیت باهم‌آیی واژگان و ترجمه و تحقیق*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- مدرس خیابانی، شهرام (۱۳۸۴). «بررسی مسئله باهم‌آیی واژگانی در زبان فارسی». *مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران*. به کوشش دکتر مصطفی عاصی (صص ۳۰۵-۳۲۲). تهران: دانشگاه تهران.
- ملانظر، حسین (۱۳۶۹). *نقش باهم‌آیی در ترجمه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- موسوی، سیدحمزه (۱۳۹۴). *جستاری بر باهم‌آیی واژگانی در زبان فارسی بر پایه نظریه قالب‌های معنایی*. رساله دکتری. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- موسوی، سیدحمزه، محمد عموزاده و والی رضایی (۱۳۹۴). «قالب‌نت زبان فارسی؛ نمونه موردی: قالب ادراکی». *مجموعه مقالات سومین همایش ملی زبان‌شناسی و آموزش زبان فارسی*. (صص ۲۱۸-۲۵۲). مشهد: دانشگاه فردوسی.
- میرعمادی، سیدعلی و مهناز کربلایی صادق (۱۳۸۸). «بررسی باهم‌آیی واژگانی در آثار منظوم و منثور مولانا». *مجله زبان و زبان‌شناسی*. س ۵. ش ۱۰. صص ۱۱۵-۱۳۳.
- نایب‌لویی، فاطمه؛ سیدمصطفی عاصی و آریتا افراشی (۱۳۹۴). «شبکه معنایی قالب‌بنیاد (فریم‌نت) در زبان فارسی». *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. س ۵. ش ۹. صص ۲۵۷-۲۷۵.

References:

- Afrashi, A. (1999). "A glance at lexical collocation." *Literary Text Research*. 7

- &8 (3). Pp. 73-81 [In Persian].
- Baker, C. F.; C. J. Fillmore & J. B. Lowe (1998). "The Berkeley FrameNet Project". *Proceedings of the 17th International Conference on Computational Linguistics*. Vol. 1. (Pp. 86-90). Berkeley: Association for Computational Linguistics.
 - Carter, R. (1998). *Vocabulary: Applied Linguistics Perspectives*. London: Routledge.
 - Cruse, D. A. (1986). *Lexical Semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.
 - Fellbaum, C. (1998). *WordNet*. London: Blackwell Publishing Company.
 - Fillmore, C. J. (1976). "Frame semantics and the nature of language"*. *Annals of the New York Academy of Sciences*. 280 (1). Pp. 20-32.
 - ----- (1977 a). "The case for case reopened". In P. Cole; & J. Sadock. *Syntax and Semantics8: Grammatical Relations*. (Pp. 59-81). New York: Academic Press.
 - ----- (1977 b). "Topics in lexical semantics". In R. W. Cole. *Current Issues in Linguistic Theory*. Bloomington: Indiana University Press.
 - ----- (1982). "Frame semantics." In The Linguistic Society of Korea. *Linguistic in the Morning Calm*. (Pp. 65-137). Hanshin: Seoul.
 - Fillmore, C. J.; C. F. Baker & H. Sato (2004). "FrameNet as a 'net'". *Proceedings of LREC*. Vol. 4. (Pp. 1091-1094). Lisbon: ELRA.
 - Fillmore, C. J.; C. R. Johnson & M. R. Petruck (2003). "Background to frameNet". *International Journal of Lexicography*. 16 (3). Pp. 235-250.
 - Lyons, J. (1995). *Linguistic semantics: An Introduction*. Cambridge: Cambridge University Press.
 - Levin, B. (1993). *English Verb Classes and Alternation: A Preliminary Investigation*. Chicago: The University of Chicago Press.
 - Miller, G. (1995). "Wordnet: a lexical database". *Communication of the ACM*.



38 (11). Pp. 39-41.

- Minsky, M. (1975). "A framework for representing knowledge". *Winston*. Vol. 73. pp. 211-227.
- Miremadi, S. A. & M. Karbala'ei Sadegh (2010). "Investigating lexical collocation in Molana's poems and proses." *Journal of Language and Linguistics* 10 (2). Pp. 115-133 [In Persian].
- Modares Khiabani, Sh. (2006). "Investigating the issues of lexical collocations." *Proceedings of the First Conference by the Linguistic Association of Iran*. (Pp. 305-322). Tehran: Tehran University [In Persian].
- Mollanazar, H. (1991). *The Role of Collocations in Translation* (M.A. Thesis). Tehran: University of Tarbiat Modares [In Persian].
- Mousavi, S. H. (2016). *An Investigation of Lexical Collocations in Persian Based on Frame Semantics Theory* (Ph.D. Thesis). Isfahan: University of Isfahan [In Persian].
- Mousavi, S. H., M. Amouzadeh & V. Reza'ei (2016). "Persian FrameNet: The case study of perception frame." *Proceedings of the Third National Conference on Linguistics and Teaching Persian as a Foreign Language*. (Pp. 218-252). Mashhad: Ferdowsi University [In Persian].
- Nakhimovsky, A. D. & R. L. Leed (1979). "Lexical functions and language learning". *Slavic and East European Journal*. 23 (1). Pp. 104-113.
- Nayebloo'ei, F.; S.M. Asi & A. Afrashi (2005). "Persian FrameNet." *A Journal of Comparative Linguistic Studies* 5 (9). Pp. 257-275 [In Persian].
- Panahi, S. (2001). *Collocations in Persian and the Role of Collocatory Compounds in Teaching Persian as a Foreign Language* (MA Thesis). Tehran: Institute of Humanities and Social Studies [In Persian].
- Rasam, M. (1996). *Proposal of a Contextual Dictionary of Persian Verbs* (M.A. Thesis). Tehran: Tehran University [In Persian].
- Ruppenhofer, J.; M., Ellsworth; M. Petruck C.; Johnson & J. Scheffczyk (2010).

Framenet II: Theory and Practice. California: International Computer Science Institute.

- Shahrari, Z. (1999). *Lexical Collocation Constraints and Translation and Research* (M.A. Thesis). Tehran: Islamic Azad University [In Persian].
- Shamsfard, M.; A. Hesabi; H. Fadaei; N. Mansoory, A. Famian; S. Bagherbeigi & E. Fekri (2010). "Semi-automatic development of FarsNet: the Persian WordNet". *Proceedings of the 5th Global WordNet Conference*. Mumbai: India.
- Sinclair, J. (1991). *Corpus, Concordance and Collocation*. Oxford: Oxford University Press.
- Smadja, F. (1993). "Retrieving collocations from text: Xtract". *Computational Linguistics*. 19 (1). Pp. 143-177.
- Tannen, D. (1993 a). "Introduction". In D. Tannen. *Framing in Discourse*. (Pp. 3-13). Oxford: Oxford University Press.
- ----- (1993 b). "What's in a frame? Surface evidence for underlying expectations". In D. Tannen. *Framing in Discourse*. (Pp. 14-56). Oxford: Oxford University Press.
- Tannen, D. & S. Wallat (1993). "Interactive frames and knowledge schemas in interaction: examples from a medical examination/ interview". In D. Tannen. *Framing in Discourse*. (pp. 57-76). Oxford: Oxford University Press.

۸. پیوست‌ها

پیوست ۱

عضو - بدن - پیدا

تعریف:

این قالب واژه‌هایی را پوشش می‌دهد که [عضو- بدن] [مالک] آن هستند که ممکن است با توصیف‌گر توصیف شده باشد. مکان عضو- بدن ممکن است از طریق اتصال به عضوی دیگر یا از طریق جهت آن مشخص گردد.

- [دست] [-ش] را در جیبش کرده بود و بی‌خیال قدم می‌زد.

عناصر قالبی:

مرکزی:

عضو- بدن بخشی از بدن است.

[Body-Part]

[پای عضو- بدن] وحید صدمه دیده است.

گونه معنایی: عضو-

بدن

مالک عضو- بدن در تملک این شخص قرار دارد.

[Possessor]

پای [وحید مالک] صدمه دیده است.

حاشیه‌ای

اتصال

عناصر قالبی، اتصال عضو بزرگ‌تری از بدن است که عضو- بدن به آن متصل شده است.

[Attachment]

انگشت [دست چپ اتصال]

توصیف‌گر

این عنصر قالبی برای توصیف عضو- بدن به کار می‌رود. دقت داشته باشید که این عنصر قالبی با عناصر قالبی دیگر که پرکننده نقش

[Descriptor]

معنایی هستند، تفاوت دارد و بیشتر توصیف‌کننده واژه‌ای دیگر است.

چشمان [زیبای توصیف‌گر] ستاره از شوق می‌درخشیدند.

جهت این عنصر قالبی، مکان عضو- بدن را براساس مشخصه جهت تعیین می‌کند. [Orientational-location]
پای [راست جهت]
انگشت [میان جهت]
زیرمجموعه این عنصر قالبی، مشخص‌کننده بخشی از عضو- بدن است. [Subregion]
کف [زیرمجموعه] پا
گونه معنایی: رابطه مکانی
روابط قالب- به- قالب

همریگ شده از: جزء تشکیل دهنده

همریگ شده توسط:

ژرف‌نمایی:

کاربردها:

به‌کاررفته در: حرکت- بدن، پوشش، شرایط- پزشکی،

زیرقالب قالب(های):

دارای زیرقالب(های):

تقدم:

متقدم بر:

آغاز:

سبب:

بیشتر ببینید:

واحد‌های واژگانی:

دست (اسم)، چشم (اسم)، گوش (اسم)، پا (اسم)، دماغ (اسم)، بینی (اسم)، زبان (اسم)، انگشت (اسم)، بازو (اسم)، ابرو (اسم)، لب (اسم)، زانو (اسم)، پلک (اسم)، سینه (اسم)، کتف (اسم)، ران (اسم)،



داده‌های نشانه‌گذاری شده

واحد واژگانی	گزارش مدخل واژگانی	گزارش نشانه‌گذاری	رمز نشانه‌گذار	تاریخ ایجاد
گوش (اسم)	مدخل_واژگانی	نشانه‌گذاری		
بینی (اسم)	مدخل_واژگانی	نشانه‌گذاری		
پا (اسم)	مدخل_واژگانی	نشانه‌گذاری		
چشم (اسم)	مدخل_واژگانی	نشانه‌گذاری		
دماغ (اسم)	مدخل_واژگانی	نشانه‌گذاری		

پیوست ۲

جهت

تعریف:

قالب جهت، عبارت است از مسیری که در دامنه‌ای خاص قابل تعریف است و از مهم‌ترین مشخصات زمینه است. از لحاظ نظری جهات می‌توانند بی‌نهایت باشند و براساس فضایی خاص قابل تعریف هستند. جهات ممکن است نسبی باشند یا مطلق باشند. به این ترتیب، از این قالب برای صحبت در مورد حرکت چیزی در مسیری خاص از زمینه استفاده می‌شود و معمولاً از طریق جایگاه ناظر تعیین می‌شود. به سمت [شمال] حرکت می‌کنیم.

عناصر قالبی:

مرکزی:

نقطه‌ای ارجاعی که از طریق آن مسیر مشخص می‌شود.

زمینه

[Landmark]

دسته‌ای از مکان‌های یک‌سویه است.

مسیر

[Path]

حاشیه‌ای:

میزان حرکت شیء خاص در جهت مورد نظر از زمینه و در فاصله‌ای
معین روی می‌دهد.

فاصله

[Distance]

نوع فضایی که در آن دسته‌ای از نقاط در مسیری خاص به هم پیوند
خورده‌اند.

دامنه

[Domain]

بگذارید مقداری به عقب برگردیم و وارد [زمان دامنه] قاجاریه شویم.

روابط قالب- به- قالب

همریگ‌شده از:

همریگ‌شده توسط:

ژرف‌نمایی:

کاربردها:

به‌کاررفته در: تغییر- جهت، محور- زمان

زیرقالب قالب(های):

دارای زیرقالب(های):

تقدم:

متقدم بر:

آغاز:

سبب:

بیشتر ببینید:

واحد‌های واژگانی

چپ (صفت)، راست (صفت)، بالا (صفت)، پایین (صفت)، شرق (صفت)، غرب (صفت)، جلو (صفت)،

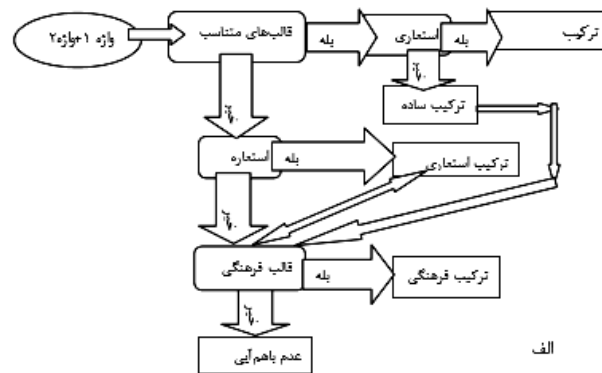
عقب (صفت)،



داده‌های نشانه‌گذاری شده

واحد واژگانی	گزارش مدخل واژگانی	گزارش نشانه‌گذاری مدخل	رمز نشانه‌گذار	تاریخ ایجاد
شمال (صفت)	مدخل_ واژگانی	نشانه‌گذاری		
جنوب (صفت)	مدخل_ واژگانی	نشانه‌گذاری		
غرب (صفت)	مدخل_ واژگانی	نشانه‌گذاری		
شرق (صفت)	مدخل_ واژگانی	نشانه‌گذاری		
راست (صفت)	مدخل_ واژگانی	نشانه‌گذاری		
چپ (صفت)	مدخل_ واژگانی	نشانه‌گذاری		

پیوست ۳. الگوی تعیین قالب و انگیزه باهمایی واژگانی



الف



ب